

Violation of Women's Rights in Internal Armed Conflicts

Zeynab Bagherinejad * 

member of the Faculty of Law, Theology
and Political Sciences, Islamic Azad
University, Science and Research Unit,
Tehran

Abstract

One of the most important goals of developing the rules of international humanitarian law is to protect people who are not directly involved in war in most cases, but the violence and suffering caused by war is imposed on them. As one of the vulnerable groups, women are exposed to being victimized due to war crimes or crimes against humanity, especially during civil wars. When a civilian group, in the territory of a government enters into conflict with that government, a situation of non-international armed conflict is created; A situation that will be governed by different rules than those governing international armed conflicts. The rules that result from Article 3 of the Geneva Conventions, the second additional protocol

* Corresponding Author: zeynab.baghherinejad@srbiau.ac.ir

How to Cite: Bagherinezhad, Z. (2024). Violation of women's rights in internal armed conflicts. *Criminal Law Research*, 12 (46), 109 -138. 10.22054/jclr.2024.72847.2566

and international custom. Dominating a part of the territory of a

country by the forces on a continuous basis, having minimum facilities to establish a base inside the territory of the conflict, having a responsible commander, etc. are the most important characteristics of a hostile group, and in this case, it is possible to implement the rules of law. International humanitarianism is expected from them.

The black figure of women's victimization due to their gender in armed conflicts has led to the lack of identification of the perpetrators and the lack of necessary support for them, and this itself leads to their secondary victimization. In internal armed conflicts, the issue of women's victimization, due to the occurrence of violence inside the territory of a country and its inability to be monitored by international institutions on the one hand, and their victimization (direct and indirect) from different directions on the other hand, along with numerous problems It becomes more important in repairing the damage caused to them. In addition, the governments do not want to provide humanitarian support and aid to their nationals and citizens in the event of a civil war, and in the event of this type of conflict, they seek to suppress the opposition to the extent that the perpetrators of war crimes and ... be.

Today, the violation of women's rights in internal armed conflicts as people who did not play an active role in these conflicts is recognized as a war crime. Because war crime is known as a gross violation of international humanitarian rights in armed conflicts, and the violation of women's rights is a gross manifestation of this violation. Although committing these actions in some cases leads to a crime against humanity or even genocide. Since the violation of the rules of humanitarian rights has been done in the territory of a state, not only

the people involved in these conflicts, but also the states (whether the

state that is a party to the conflict or the state that helps one of the parties to the war) are committed and obliged to respect the rights are international humanitarians and in case of violation of these international rules, they will be responsible for the victims of crimes. In the rules of international humanitarian law governing civil wars, the civil and international responsibility of governments and perpetrators of crimes in these conflicts is emphasized. In addition to accepting the violation of women's rights as a war crime and a crime against humanity (as the case may be), the statutes and jurisprudence of international criminal courts have considered the perpetrators of these crimes to be criminally responsible.

This article, using the descriptive-analytical method, using library resources and card cabinet tools, seeks to investigate the issue of what are the most important manifestations of the violation of women's rights in civil wars as a violation of international humanitarian rights and its effects, and the procedure How has international criminal courts been in identifying numerous cases of violation of women's rights? Sexual violence, as the most obvious example of the violation of women's rights in internal armed conflicts, has led to many destructive effects on women, which is confirmed by the studies conducted during internal armed wars and especially after the end of the war and violence. What the numerous cases of internal armed wars and the judicial procedure of international criminal courts show is the lack of appropriate solutions and treatment for women victims of violence in the process of reacting to the violation of their rights, especially in criminal proceedings (Submitting a complaint to the corrupt criminal system, the lack of proper services from lawyers,

prosecutors, judges, and the criminal justice system in general), which requires providing different ways of support than what currently exists.

Keywords: Internal armed conflict, International humanitarian law, Women victims of crime, War crime, Crime against humanity.



نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

زینب باقری‌نژاد * 

واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

چکیده

در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی، موضوع بزه‌دیدی زنان، به دلیل وقوع بزه در داخل سرزمین یک کشور و نظارت‌ناپذیری آن توسط نهادهای بین‌المللی از یک سو و بزه‌دیدی آنان از جهات مختلف از سوی دیگر در کنار مشکلات متعدد در ترمیم آسیب‌های وارده به آنان اهمیت بیشتری می‌یابد. علاوه بر این، دولت‌ها تمایل ندارند تا در صورت بروز جنگ داخلی حمایت‌ها و کمک‌های بشردوستانه‌ی خود را به اتباع و شهروندان خود ارائه دهند و در صورت بروز این نوع مخاصمه، در پی سرکوب مخالفان برمی‌آیند تا جایی که مرتکب جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و ... می‌شوند. با نقض قواعد حقوق بشر دو ستانه، نه تنها اشخاص درگیر در این مخاصمات، بلکه دولت‌ها نیز متعهد و ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی هستند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و ابزار فیش‌برداری، مهمترین جلوه‌های نقض حقوق زنان در جنگ‌های داخلی بعنوان نقض حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی و آثار آن را مورد توجه قرار می‌دهد و به رویه‌ی قضایی محاکم کیفری بین‌المللی در شناسایی موارد متعدد نقض حقوق زنان می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی، حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی، زنان بزه‌دیده، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت..

مقدمه

از دیدگاه حقوق بین‌الملل کیفری، جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه در صورتی داخلی محسوب می‌گردد که منازعات مسلحانه به مدت طولانی بین نهادهای امنیتی دولتی از یک سو و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته از سوی دیگر وجود داشته باشد (Douglas, 2016: ۲۳). نوع دیگری از این دسته از منازعات می‌تواند شامل درگیری بین دو گروه مسلح سازمان‌یافته در درون یک کشور باشد. آنچه در این میان حائز اهمیت است تسلط نیروها بر بخشی از قلمروی یک کشور به صورت مداوم و داشتن فرماندهی مسئول و همچنین، در اختیار داشتن حداقل تأسیسات لازم جهت ایجاد پایگاه سرزمینی است (Cushman, ۲۰۲۱: ۵۰). توجه ویژه به جنگ‌های داخلی هنگامی ضرورت بیشتری می‌یابد که آثار این جنگ‌ها مورد توجه قرار گیرد. این جنگ‌ها به دلیل فقدان جنبه بین‌المللی، نقض پنهانی موارد متعددی از حقوق بین‌الملل، بویژه در زمینه حقوق اقلیت‌ها، زنان و غیره را به دنبال خواهد داشت. این مخاصمات باعث پراکندگی و از بین رفتن وحدت ملی و حتی در برخی موارد وحدت مذهبی و به عبارت دیگر، از هم پاشیدگی فرهنگی و نظام اجتماعی یک کشور خواهند شد.

در جنگ‌های داخلی، همانند جنگ‌های بین‌المللی، قواعد عرفی، مانند منع حملات کورکورانه، اقدامات احتیاطی در حمله، اصل تناسب، اصل تفکیک، اصل اقدامات احتیاطی در برابر آثار حمله (هنکرتز، ۱۳۹۱: ۱۳۰-۱۸۰) از یک سو و قواعد قراردادی، مانند کنوانسیون لاهه مصوب ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، کنوانسیون ژنو مصوب ۱۹۴۹ حاکم می‌باشند. حقوق زنان نیز در اسناد بین‌المللی متعددی، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی و اقتصادی مصوب ۱۹۶۶ بعنوان اسناد عام حقوق بشری از یک سو و کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ بعنوان سند خاص حمایت از زنان از سوی دیگر، مورد توجه قرار گرفته است. شناخت موارد نقض حقوق زنان و به دنبال آن تأثیر این مخاصمات بر وضعیت زنان پس از جنگ چه بعنوان زنان نظامی و چه بعنوان افرادی غیر نظامی موضوع قابل تأملی است. حقوق بشردوستانه بین‌المللی برای نقض حقوق زنان قواعد متعددی را وضع نموده که طرفین درگیر در جنگ، ملزم به رعایت آن هستند.

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی تاکنون آرای متعددی را در مورد محکومیت مرتکبان نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه تحت عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت صادر نموده‌اند. اما مسئله‌ی مهم در اینجا، تأثیر صدور این آراء در بازدارندگی از ارتکاب جرایم مشابه در آینده و از سوی دیگر، ترمیم آسیب‌های وارده به قربانیان این جرایم بویژه آسیب‌های روحی آنان است. بر این اساس، این مقاله از یک سو در صدد شناخت جلوه‌ها و آثار نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی است و از سوی دیگر، به بررسی مسئولیت مدنی و بین‌المللی طرفین درگیر در مخاصمات داخلی به دلیل نقض حقوق زنان می‌پردازد. همچنین رویه‌ی قضایی محاکم کیفری بین‌المللی جهت بررسی و شناخت نوع و کفایت واکنش کیفری به نقض حقوق زنان بعنوان جنایت جنگی (اگر بزه‌دیده از نظامیان درگیر در جنگ بوده) یا جنایت علیه بشریت (اگر زنان بزه‌دیده غیرنظامی باشند)، در خلال مباحث بالا مطرح و بررسی می‌شود.

۱. جلوه‌های نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی

زنان در طول تاریخ بعنوان قربانیان اصلی خشونت، جنگ و آوارگی بوده‌اند. چراکه بیشترین آسیب را در مخاصمات مسلحانه متحمل شده و در این جنگ‌ها قربانی بردگی و تجاوز جنسی و غیره شده‌اند. سازمان ملل متحد در همین راستا اقدامات متعددی را انجام داده که نشان‌دهنده‌ی توجه به زنان پس از جنگ جهانی دوم و بویژه پس از پایان جنگ سرد است.^۱ دیدگاه‌های سنتی در ارتباط با وضعیت زنان، مانند اینکه زنان به طور کلی آسیب‌پذیر یا صلح‌طلب هستند، موجب می‌گردد تا نقش منفعلی برای آنان در نظر گرفته شود. این در حالی است که نگرش به مردان از زاویه‌ی دیگر، مانند رزمنده بودن آنان، دسترسی آنان به ابزارهای نظامی پیشرفته و ... نقش فعالی را در مخاصمات برای آنان در نظر می‌گیرد. این تفکیک نظری در حالی صورت پذیرفته که در عمل، نه تنها بسیاری از زنان بعنوان رزمنده در مخاصمات حضور فعالی دارند، بلکه برخی از مردان به دلیل نداشتن روحیه‌ی رزمی یا عدم آشنایی با فنون و دانش نظامی، نقش مؤثری را در جنگ ایفا

۱. از جمله این اقدامات می‌توان به برگزاری کنفرانس‌های متعدد زنان در کشورهای مختلف در سال‌های ۱۹۸۰، ۱۹۸۵ و ...، تأسیس کمیسیون منزلت زنان در ۱۹۴۶، برگزاری کنفرانس پکن در ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ و جز اینها اشاره کرد.

نمی‌کنند. این تمایز موجب می‌شود پس از پایان جنگ، مردان موقعیت برتری یافته و حسب مورد از امتیازات و مناصب مختلف بهره‌مند گردند. در حالی که برای زنان چنین امتیاز و موقعیتی در نظر گرفته نشده و همین امر موجب آسیب مادی و حتی روانی به آنان می‌گردد (UN Report, 2021: 29).

خشونت علیه زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی بارزترین مصداق نقض حقوق آنان محسوب می‌شود. در راستای جلوگیری از استفاده از اعمال خشونت علیه زنان بعنوان یک روش و ابزار نظامی در زمان جنگ، تلاش‌های بین‌المللی مانند ایجاد کمپین‌هایی در رابطه با زنان، صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از زنان از یک سو و ایجاد صندوق‌های امانی برای زنان قربانی خشونت از سوی دیگر انجام شده است (UN Women, 2012: 5). اگرچه جنسیت تنها عاملی نیست که بر حقوق زنان تأثیر می‌گذارد، اما در شرایط خاصی، مانند جنگ که شکل‌های مختلف خشونت جنسی به دلیل مذهب، نژاد و ... وجود دارند (Kelly dawn, 1997: 220)، این جنسیت زنان است که دلیل تفاوت رفتار با آنان محسوب می‌شود.

تعریف موسع از خشونت، شامل موارد بسیاری از نقض حقوق بشر زنان در ارتباط با خشونت می‌شود که ایراد این نوع تعریف از دست دادن قدرت توصیفی موضوع است. در تعریف مضیق، خشونت علیه زنان بعنوان یک نوع از ده‌ها شکل نقض حقوق بشر زنان در نظر گرفته می‌شود (مصفا، ۱۳۸۴: ۵۳).

خشونت‌های جنسی در طول مخاصمات مسلحانه جزو رفتارهای تحقیرآمیزی هستند که به شکل‌های مختلف نسبت به زنان اعمال می‌شوند. اگرچه در مخاصمات مسلحانه‌ی جدید، انواع متفاوت و نویی از خشونت‌های جنسی بروز پیدا کرده است که حتی تبعات بسیار شدیدتری برای زنان به همراه دارد، اما هنوز رایج‌ترین نوع خشونت جنسی، تجاوز جنسی است. خشونت جنسی در بند ۱ (ز) اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی بعنوان جنایت علیه بشریت شناخته شده است. تجاوز جنسی بعنوان مصداق بارز نقض حقوق زنان از زمان مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی گذشته وجود داشته است. مهم‌ترین مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی که این نوع از خشونت در آن ارتکاب یافته جنگ داخلی رواندا بوده که بر اساس گزارش ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد، حداقل ۵۰۰۰۰۰ مورد تجاوز

جنسی در طی یک سال یعنی در سال ۱۹۹۴ میلادی رخ داده است (U.N Report, 1996: ۷). در پرونده‌ی آکایسو (Prosecutor V. Jean- Paul Akayesu, 1998: 991)، برای نخستین بار در حقوق بین‌الملل، دادگاه تعریفی از تجاوز جنسی را ارائه نمود: «دخول فیزیکی با هر وسیله با ماهیت جنسی ارتكابی نسبت به یک شخص تحت شرایطی که اجباری باشد. دادگاه خشونت جنسی را که شامل تجاوز به عنف می‌باشد هر عملی قلمداد می‌کند که با ماهیت جنسی نسبت به یک شخص تحت اجبار ارتكاب می‌یابد. خشونت جنسی به دخول فیزیکی محدود نمی‌شود و ممکن است شامل اعمالی باشد که دخول یا حتی تماس فیزیکی را دربر نمی‌گیرد». همچنین، برای نخستین بار بود که یک دادگاه بین‌المللی، تجاوز جنسی را بعنوان جنایت علیه بشریت و نیز ابزاری برای نسل‌کشی اعلام کرد. این نوع خشونت علیه زنان بارها در جنگ داخلی سریلانکا از طریق شیوه‌های مختلف (مانند سوراخ کردن دستگاه تناسلی، ریختن فلفل قرمز در دستگاه تناسلی، استفاده از شوک الکتریکی و ...) صورت پذیرفت (نیکوکار، ۱۴۰۰: ۲۱۹).

امروزه تجاوز جنسی تبدیل به یک راهبرد جنگی در مخاصمات مسلحانه شده است. این جنایت نه تنها امید به ازدواج سالم را در زنان قربانی از بین می‌برد، بلکه آنان را با دو پیامد مهم دیگر رو به رو می‌سازد (Florence, 2006: 9). از یک سو، بارداری ناخواسته که نه تنها خطراتی را برای جسم آنان به دنبال دارد، بلکه از نظر روحی به دلیل داشتن کودک فرد متجاوز و ترس از قضاوت جامعه در این مورد در کنار نگرانی‌های ناشی از عدم امنیت در زمان جنگ موجب آسیب فراوان به این زنان می‌گردد. از سوی دیگر، ابتلاء به بیماری‌های جنسی نه تنها موجب آسیب‌های جسمانی می‌شود، بلکه آسیب‌های روانی متعددی را به دنبال خواهد داشت.

بردگی جنسی و فحش‌ای اجباری بعنوان جلوه‌ی دیگری از خشونت جنسی علیه زنان، یک جنایت بین‌المللی محسوب شده که می‌تواند توسط نیروهای دولتی و یا اشخاص خصوصی ارتكاب یابد (هتکرتز، ۱۳۹۱: ۴۴). در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی سریلانکا، بخش بزرگی از خشونت جنسی علیه زنان توسط سربازان دولت، مأموران پلیس و نیروهای امنیتی صورت گرفت (نیکوکار، ۱۴۰۰: ۲۱۸).

بارداری اجباری، به منظور تغییر ژن و ازدواج اجباری نیز بعنوان یکی از رویه‌های موجود در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی باید مورد توجه قرار گیرد. این ازدواج‌ها که با زنان ربوده شده یا حتی از طریق اجبار والدین به تحویل دخترانشان برای اینکه همسر سرباز باشند (شیایزری، ۱۳۹۳: ۲۱۵)، در واقع پوششی بر خشونت‌های جنسی محسوب می‌شود، چراکه استفاده از لفظ همسر اجازه‌ی کنترل همه جانبه و اعمال هر گونه خشونت بر قربانی جرم را به مرتکب می‌دهد. دیوان کیفری بین‌المللی، دامینیک اونگون، فرمانده‌ی گروه‌های شورشی در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی در اوگاندا را به دلیل ارتکاب جرایم جنسی متعدد از جمله بارداری اجباری تحت عنوان جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت محکوم نمود.

عقیم‌سازی اجباری بعنوان خشونت جنسی معمولاً راهکاری پزشکی است که توانایی فرد را برای بچه‌دار شدن از بین می‌برد. در اروپا در زمان جنگ جهانی دوم این کار با تزریق، جراحی و یا اتصال برق صورت می‌گرفت، در حالی که در آسیا، عقیم شدن نتیجه‌ی فحشای اجباری و آزارهای جنسی عامدانه بود (خاک، ۱۳۸۷: ۱۲۵) که در نهایت منجر به عدم بارداری و یا سقط جنین می‌گردید. ختنه زنان نیز در این راستا قابل توجه است که طی آن بخش یا تمام آلت تناسلی و یا هر آنچه مربوط به فعالیت جنسی یک زن یا دختر است، نابود می‌شود. ریشه‌ی این اقدام خشونت‌آمیز علیه زنان، سنت‌ها و باورهای غلط در برخی از آئین‌های مذهبی است (Shell-Duncan, 2001: 39).

استثمار جنسی زنان بعنوان یکی از شکل‌های خشونت مبتنی بر جنسیت در مناطق جنگی بسیار گسترده است. این استثمار که می‌تواند توسط نیروهای کمکی (حافظین صلح، نیروهای بشردوستانه، کارمندان دولتی و ...) نیز صورت پذیرد، جای نگرانی و تأمل دارد. چراکه این افراد در حالی که دارای مصونیت می‌باشند و متعهد به حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر هستند، با سوءاستفاده از این اعتماد، حقوق زنان را نقض می‌کنند (Lombard, ۲۰۱۳: ۱۵۶). در جوامعی که خشونت جنسی در آنجا رواج بیشتری دارد، استثمار جنسی زنان توسط نیروهای کمکی بیشتر مشاهده شده است.

۲. آثار مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی بر زنان

با تغییر الگوی مخاصمات مسلحانه و استفاده از سلاح‌های مدرن (یدالهی، ۱۳۹۹: ۱۳۳)، آسیب‌پذیری زنان نیز گسترش یافته است. حملات عمدی متعدد به غیرنظامیان در کنار گسترش مفهوم این جنگ‌ها به جنگ‌هایی که تقابل مستقیم را لازم نمی‌داند، موجب گردیده که اصل تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان تا حدود زیادی کنار گذاشته شود. تلفات غیرنظامیان در زمان جنگ جهانی اول ۱۵ درصد از کل افراد درگیر در جنگ و در زمان جنگ جهانی دوم ۶۵ درصد از کل تلفات بوده است. این تلفات در زمان جنگ‌های روندا به بیش از ۹۰ درصد کشته‌شدگان جنگ می‌رسد (Webb, 2022: 34). از سوی دیگر، حملات تروریستی که افراد غیرنظامی را در اماکن امن، مانند مدرسه، بیمارستان و ... هدف قرار می‌دهد، موجب قربانی شدن بسیاری از زنان می‌گردد. همچنین، خشونت جنسی بعنوان یک روش جنگی علیه زنان با هدف ترساندن و تحقیر آنان (عبدالهی، ۱۳۸۳: ۱۵۲)، موجب از بین رفتن زندگی، سلامتی و آموزش زنان می‌شود که کلید نجات و پیشرفت جامعه و خانواده هستند. خشونت بعنوان شایع‌ترین تهدید علیه جوامع انسانی، در طول این مخاصمات علیه کودکان سربازان دختر رو به گسترش است و اگرچه معمولاً مردان بیشتر از زنان در طول این مخاصمات کشته می‌شوند، اما زنان بیش از مردان از پیامدهای جنگ رنج برده و بیشترین قربانیان جنگ‌های معاصر را تشکیل می‌دهند (داشاب، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

استفاده از زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی بعنوان سرباز در گروه‌های شبه نظامی و حتی در نیروهای مسلح به صورت اجباری، نمونه‌ی دیگری از تأثیر مخرب این جنگ‌ها بر زنان است. مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد در مواردی نیز که کودکان بعنوان سرباز استخدام شده‌اند، اگرچه بیشتر این کودکان پسر هستند، اما دختران زیادی نیز در میان آنان وجود دارد (Grace, 1999: 135). در کنار این موارد اجباری، برخی از زنان به دلایلی مانند حمایت از خود و خانواده، انتقام‌جویی و حتی برای تأکید بر برابری با مردان در جنگ شرکت کرده‌اند (ایزابل مسی، ۱۳۸۴: ۱۳۳). شرایط اجتماعی خاص حاکم بر جنگ‌های داخلی مانند خشونت‌های خیابانی، فقر، کمبود حمایت‌های مالی (Rachel, 2003: 51) و ... نیز منجر به حضور فعال زنان در مخاصمه خواهد شد. با وجود

حضور زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی چه به صورت ارادی و چه به صورت اجباری، نه تنها بازگشت آنان به جامعه با دشواری رو به رو بوده بلکه میزان طرد آنان از سوی جامعه بیش از مردان گزارش شده است (Florence, 2006: 14). بنابراین، با وجود راهکارهای مربوط به استقرار و بازگشت مجدد زنان به جامعه پس از جنگ و استقرار صلح، زنان به اندازه‌ی کافی در روند رفع بسیج عمومی و دریافت حمایت‌ها و خدمات ناشی از آن (Florence, 2006: 16) قرار نگرفته‌اند و حتی در برخی موارد با وجود مشارکت دادن زنان، این رویه‌ها در عمل بدرستی اجرا نشده‌است.

آوارگی و پناهندگی زنان بعنوان یکی دیگر از آثار مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی باید مورد توجه قرار گیرد و البته وضعیت آوارگان به دلیل نزدیکی به صحنه‌ی جنگ خطرناک‌تر از پناهندگان است. در کنار نیازهایی مانند سرپناه، مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی، غذا و ...، جداسازی زنان و کودکان از خانواده برای کار در گروه‌های شبه نظامی و خشونت و استثمار جنسی (Grace, 1999: 17) بعنوان مهم‌ترین آثار این جنگ‌ها حائز اهمیت است. به همین علت، حقوق بشر دوستانه قواعد و مقرراتی را در زمینه‌ی حمایت از زنان آواره و پناهنده وضع نموده اما همه‌ی این حمایت‌های خاص الزام‌آور نیستند. زنان به دلیل این مخاصمات نه تنها نیازهای خاصی، مانند خدمات بهداشتی خاص و حمایت در برابر آزار و استثمار جنسی را لازم دارند، بلکه در شرایطی مجبور به روسپی‌گری می‌شوند تا بتوانند از این طریق نیازهای مالی اولیه‌ی خانواده‌شان را تأمین کنند و حتی در برخی موارد، زنان مجبور به ازدواج زود هنگام جهت کمک به درآمد خانواده شده‌اند که این موارد، بازگشت مجدد زنان و بویژه، کودکان آنان به بستر جامعه پس از جنگ را با مشکلات متعددی مواجه می‌کند (Rachel, 2003: 66).

وضعیت زنان محروم از آزادی در زمان مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی آسیب‌پذیری بیشتری را برای آنان نسبت به مردان به همراه خواهد داشت. اگرچه تعداد کمی از افراد بازداشت شده را زنان تشکیل می‌دهند، اما در زمان بازداشت، در معرض دو دسته از خشونت‌ها قرار می‌گیرند: از یک سو، آنان در معرض آزارهای موجود در زندان و در ارتباط با بازداشت هستند. بیماری، فقدان تغذیه‌ی سالم و کافی، بهداشت و سرپناه نامناسب از مواردی هستند که در بازداشت وجود دارند. جدای از این موارد کلی، در بیشتر موارد

زنان بازداشت شده توسط خانواده و جامعه رها شده و بنابراین، این زنان برای بازگشت به جامعه با مشکلات بیشتری نسبت به مردان مواجه می‌شوند. در حالی که اگر یک خانوادگی خوب که به طور مستمر با زندانی ملاقات کند وجود داشته باشد، باعث می‌شود که مقامات زندان خود را موظف به رعایت اصول ناظر بر حقوق زندانیان دانسته و نیازهای اساسی زندانی را برطرف کنند. در مخاصمات مسلحانه امکان حضور خانواده برای ملاقات با زندانی تا حدودی منتفی است؛ چراکه در شرایط جنگ مسلحانه‌ی داخلی یا خود خانواده در بازداشت است یا آسیب دیده و حتی ممکن است کشته شده باشند. در صورتی نیز که هیچ یک از این موارد وجود نداشته باشد، به دلیل تنش‌های موجود اجازه‌ی ملاقات داده نمی‌شود. از سوی دیگر، زنان توسط سربازان و نگهبانان در معرض آزارهای جنسی قرار می‌گیرند. کنوانسیون ژنو دارای مقرراتی در ارتباط با رفتار با زندانیان در زمان جنگ است و توصیه نموده که زنان زندانی در زمان جنگ باید توسط نگهبانان زن نگهداری شوند. مقررات حقوق بشردوستانه نیز اقدامات خشونت آمیز و بی‌احترامی به زنان زندانی را ممنوع کرده و در واقع از این طریق، تجاوز جنسی را منع می‌کند (Dawn, 1997: 332).

به طور کلی، این تبعات و آثار را می‌توان از چهار منظر مورد مذاقه قرار داد:

نخست، تبعات خشونت جنسی بر سلامت جسمی و روانی زنان؛ در این زمینه آمار و اطلاعات صحیحی در دست نیست، چراکه بسیاری از زنان بزه‌دیده به دلایل متعددی، مانند ترس از مرتکب جرم، نگرانی ناشی از مورد قضاوت قرار گرفتن توسط جامعه، فشار روانی یادآوری صحنه‌ی جرم (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۱۶۲-۱۷۱)، عدم توانایی یا عدم امکان گزارش بزه‌دیدگی خود و ... حاضر به افشای بزه‌دیدگی خود نیستند.

خشونت جنسی بیماری‌های مختلف جسمانی مانند مبتلا شدن به ایدز، دردهای گوارشی، استفراغ، دردهای آلت تناسلی زنانه، دردهای فراگیر جسمی، ناباروری، سقط جنین، مرده‌زایی و ... را به همراه دارد و این در حالی است که نه تنها دارو و تجهیزات لازم پزشکی جهت درمان وجود ندارد، بلکه پرسنل کارآمد و امکانات تشخیصی نیز در دسترس نمی‌باشد. تجربه‌ی دردهای روانی شدید در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی توسط زنان از دو زاویه باید مورد توجه قرار گیرد؛ از یک سو، سلامت روان آنان به دلایلی مانند

یادآوری واقعه، بی‌خوابی، کابوس‌های مکرر، ضعف تمرکز حواس، احساس شرم، خشم، نفی واقعه و ... آسیب می‌بیند و از سوی دیگر، بسیاری از زنان با دیدن صحنه‌های مجروح شدن، کشته شدن، و تجاوز به سایر اعضای خانواده‌شان آن هم در مقابل چشمانشان، ناراحتی‌های روانی شدیدی را متحمل می‌شوند (Florence, 2006: 20). در مجموع بین مشکلات رفتاری، معلولیت‌های جسمی و جنسی، کمبود اعتماد به نفس، خودآزاری و افسردگی و ... ارتباط مهمی وجود دارد.

دوم، گسترش بیماری‌های مقاربتی در نتیجه‌ی خشونت جنسی؛ از آنجا که در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی ساختارهای اجتماعی و سازکارهای حمایتی قانونی تا حدود زیادی کنار گذاشته می‌شود، بیماری‌های مقاربتی، بویژه ایدز گسترش فراوانی می‌یابند. در زمان جنگ و بویژه در اردوگاه‌های پناهندگان، افزایش استعمار جنسی و جابه‌جایی‌ها، انجام فعالیت‌های جنسی ناامن، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی و حتی عدم رعایت مراقبت‌های لازم در زمان تزریق خون (Grace, 1996: 23) منجر به انتقال ویروس ایدز می‌گردد. در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی روآندا، ۸۰ درصد زنانی که مورد تجاوز قرار گرفتند و برای آزمایش داوطلب شدند، مبتلا به ایدز شده بودند (Florence, 2006: ۱۹) و این آمار جدای از آمار زنان مبتلا به ایدز است که حاضر به دادن آزمایش نشدند.

سوم، آثار خشونت جنسی بر زنان جدا شده و بدون همراه؛ فقدان والدین یا عدم حمایت آنان، یکی از مهم‌ترین دلایل قربانی شدن کودکان دختر در خشونت‌های جنسی است. در مخاصمات مسلحانه، دختر جدا شده، دختر زیر ۱۸ سال یا زیر سن قانونی است که از والدینش جدا شده و توسط برخی از بستگانش همراهی و حمایت می‌شود. اما دختر بدون همراه، دختر زیر ۱۸ سال یا زیر سن قانونی است که از والدینش جدا شده و توسط بستگانش که طبق قانون یا عرف مسئول نگهداری از او هستند همراهی نمی‌شود (Everett, 1987: 66). زنان بیوه یا جدا شده از همسر نیز تحت تأثیر خشونت‌های جنسی و آثار مخرب آن هستند. این آثار مخرب زمانی افزایش پیدا می‌کنند که دختران و زنان در اردوگاه‌های برپاشده به دلیل جنگ مستقر باشند. در گزارش ارائه شده توسط کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ از اردوگاه‌های غنا، از بین ۲۲ زن و دختر مصاحبه‌شونده، ۱۱ نفر فرزند داشتند و ۴ نفر هم باردار بودند. فقدان کمک‌های دریافتی در این اردوگاه‌ها و به

دنبال آن احتیاج به نیازهای اولیه، زنان را وادار به کار در ساعت‌های طولانی می‌کند که همین امر موجب استثمار آنان توسط کارفرمایان می‌شود (اسکویی، ۱۳۷۷: ۴۲). ارتباط و حتی ازدواج با مردی که آنان را از لحاظ مالی تأمین می‌کند نیز امید این گروه از زنان برای به دست آوردن حمایت و کمک‌های کافی است، اما در این موارد با به دنیا آمدن فرزندی از این رابطه، یا زنان منحرف جنسی قلمداد شده یا فرزند متولد شده توسط مرد انکار می‌شود. فقدان معاینه‌ی پزشکی مناسب برای زنان بدون همراه یا جدا شده که قربانی خشونت جنسی شده‌اند، در کنار عدم وجود حمایت‌های روانی از آنان و فقدان آموزش جنسی برای آنان و همچنین، نبود سازمان‌هایی که این وظیفه را در صورت فقدان خانواده یا فقدان اطلاعات بر عهده گیرند (نوروزی، ۱۳۸۴: ۸)، باعث افزایش خشونت و آسیب‌های ناشی از آن بر زنان می‌گردد.

چهارم، تأثیر خشونت جنسی بر زنان مادر؛ باردار شدن زنان بر اثر تجاوز جنسی و به دنبال آن فقدان مراقبت‌های بهداشتی که منجر به مرگ و میر نوزادان و مشکلات جنسی و جسمی برای مادر می‌گردد، یکی دیگر از مواردی است که باید مورد توجه باشد. در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی سیرالئون، ازدواج اجباری زنان بعنوان یکی از انواع خشونت‌های جنسی علیه زنان منجر به مرگ و میر مادران بسیاری شد. از هر ۱۰۰۰۰۰ نفر تولد، ۱۸۰۰ مورد نوزاد مرده به دنیا آمده بود (جعفری، ۱۴۰۱: ۲۰۰۵). شرایط نامناسب مادی و اضطراب‌آور جنگی که مادر دوره‌ی بارداری خود را در آن سپری می‌کند، از دست دادن جایگاه اجتماعی در جامعه و به دنبال آن از بین رفتن امنیت اقتصادی و همچنین، دشوار شدن ازدواج مجدد، از عوارض خشونت‌های جنسی بر زنان مادر محسوب می‌شوند.

یکی دیگر از مشکلات زنانی که بعد از تجاوزات مکرر، زایمان کرده و فرزند آنان زنده به دنیا آمده است، عدم شناسایی پدر کودک است. در کشورهایی که هویت فرد به پدر مربوط می‌شود، کودکانی که بر اثر تجاوز جنسی به مادر به دنیا آمده‌اند، مورد پذیرش اجتماعی قرار نمی‌گیرند و از تحصیل و آموزش محروم می‌شوند (Crawford, 2019: ۸۰). تعداد کودکان متولد شده به این صورت در روآندای فعلی از ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نفر تخمین زده شده است (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱: ۱۶۰). علاوه بر این، چون بارداری و

زایمان در شرایط نامناسب جسمی و روحی بوده کودکان متولد شده بیمار بوده و در بیشتر موارد از سوء تغذیه رنج می برند.

۳. مسئولیت طرفین درگیر در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی در قبال نقض حقوق زنان

بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل، طرفین درگیر در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی، چه بعنوان دولت و یا گروه مسلحانه (شخص حقوقی) و چه بعنوان فرد (شخص حقیقی) در صورت نقض حقوق شناخته شده و مورد پذیرش بین‌المللی زنان، دارای مسئولیت خواهند بود. از قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل این گونه استنباط می‌گردد که واکنش به نقض قواعد آمره‌ی حقوق بین‌الملل با واکنش به نقض قواعد عادی در عرصه‌ی بین‌المللی یا یک تعهد بین‌المللی متفاوت است. برای نقض قواعد آمره، که نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی از زمره‌ی آن است، آثار حقوقی خاصی در نظر گرفته شده است (دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۳۳). شناخت مسئولیت طرفین درگیر در این مخاصمات و انواع آن از این جهت حائز اهمیت است که انواع مختلف مسئولیت در همه‌ی موارد و برای همه‌ی اشخاص مسئول قابل پذیرش و شناسایی نیست. اما به طور کلی، سه نوع مسئولیت را می‌توان مورد بررسی قرار داد.

نخست، مسئولیت کیفری؛ اگرچه هنوز اصطلاح «جنایت بین‌المللی دولت» مورد استفاده قرار می‌گیرد، با بررسی قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل می‌توان گفت برخلاف پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقیقی، در حال حاضر مسئولیت کیفری برای دولت مورد پذیرش قرار نگرفته است. علت عدم پذیرش مسئولیت کیفری برای دولت در صورت ارتکاب جنایت بین‌المللی را می‌توان در وجود دو مانع اساسی مورد بررسی قرار داد؛ مانع نخست، به موضوع «حاکمیت ملی دولت‌ها» برمی‌گردد (لکایی اندی، ۱۴۰۰: ۵۵۰) که همین مانع عامل اصلی کند بودن توسعه‌ی حقوق بین‌الملل به طور کلی و حقوق بین‌الملل کیفری به صورت خاص است. برای بیشتر دولت‌های عضو سازمان ملل تصور این موضوع بسیار سخت و حتی غیر قابل پذیرش است که روزی به اتهام یک جنایت بین‌المللی محاکمه، محکوم و مجازات شوند، آنهم در یک دادگاه بین‌المللی و بر اساس

یک معاهده یا سند بین‌المللی که زمانی خود، آنان را ایجاد و تصویب کرده‌اند. مانع دوم را باید در تاریخ حقوق کیفری بین‌الملل در این زمینه جستجو کرد. ماهیت حقوق بین‌الملل در گذشته مبتنی بر نظام دو قطبی بوده است (فرجی، ۱۳۹۳: ۸۹) که در آن، تمامی تغییرات و تحولات در عرصه‌ی بین‌المللی بر اساس خواست و اراده‌ی دو بازیگر اصلی یعنی آمریکا و شوروی سابق صورت می‌پذیرفت و راهبرد سایر دولت‌ها تحت تأثیر این دو ابرقدرت بود.

بر این اساس، نقض حقوق زنان بعنوان یک جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت که باعث نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی می‌شود، می‌تواند تنها منجر به مسئولیت کیفری فردی گردد. مسئولیت کیفری بر عهده‌ی مباشران، شرکاء جرم و البته معاونان و حتی فاعلان معنوی جرم است. حتی در برخی موارد، با وجود ناتمام ماندن جرم باز هم برای مرتکب مسئولیت کیفری شناخته شده است (ماده‌ی ۲۵ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی). امروزه، در کنار این موارد، مسئولیت کیفری مقامات مافوق (چه نظامی و چه غیرنظامی) برای نقض حقوق زنان (چه توسط خود و چه توسط زیردستان آنان) در قواعد حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار گرفته است.

گروه‌های مسلح نیز که در یک مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی بعنوان یکی از طرفین درگیر حضور دارند، ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه هستند و افراد این گروه در صورت نقض این قواعد که منجر به نقض حقوق زنان گردد، دارای مسئولیت کیفری قلمداد می‌گردند. بعنوان نمونه، در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی سوریه، شورای امنیت سازمان ملل متحد، داعش و جبهه النصره را به نقض شدید، مستمر و گسترده‌ی حقوق بشر و نقض حقوق بشردوستانه و ارتکاب اقدامات تروریستی متعدد که منجر به قتل غیرنظامیان (بویژه زنان و کودکان)، حمله به مدارس و بیمارستان‌ها، تخریب اموال و اماکن فرهنگی و مذهبی شده محکوم کرد (توکلی طبسی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). در جنگ داخلی سیرالئون نیز گروه‌های شورشی مسلح به دلایل متعددی (مانند فقر شدید اقتصادی جوانان گروه که اکثریت اعضای این نیرو را تشکیل می‌دادند، طولانی شدن جنگ، فرماندهی کاملاً ضعیف گروه شورشی) مرتکب خشونت جنسی علیه زنان شدند تا جایی که ارتکاب این اقدامات امری عادی تلقی می‌گردید (نیکوکار، ۱۴۰۰: ۲۱۶). در ارتباط با مخاصمه‌ی

مسلحانه‌ی داخلی سودان نیز علی محمد علی عبدالرحمن، فرمانده‌ی گروه شبه نظامیان سودان به دلیل اتهامات متعدد از جمله تجاوز جنسی و خشونت (جنایت علیه بشریت) در دیوان کیفری بین‌المللی در حال محاکمه است. در ارتباط با جنایات ارتكابی از جمله جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در مخاصمه‌ی مسلحانه در کنگو، رئیس‌جمهور و برخی از اعضای پارلمان کنگو بر اساس رأی دیوان کیفری بین‌المللی به حبس محکوم شدند.

دوم، مسئولیت مدنی؛ برخلاف مسئولیت کیفری دولت که در حقوق بین‌الملل کیفری مورد پذیرش قرار نگرفته است، مسئولیت مدنی نه تنها برای اشخاص حقیقی که در گروه‌های مسلحانه مرتکب جنایت می‌شوند، بلکه بیشتر برای دولت شناسایی شده است. برای شناسایی مسئولیت مدنی برای دولت به دلیل نقض حقوق زنان در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی، تحقق دو شرط یعنی وجود عمل متخلفانه از یک سو و قابلیت انتساب این عمل به دولت لازم است (ابراهیم گل، ۱۴۰۱: ۲۵). این عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی دولت می‌تواند فعل، ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد. همان گونه که در شماره‌ی دوم این مقاله بیان گردید، هر یک از جلوه‌های نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی می‌تواند به عنوان عمل متخلفانه‌ی دولت محسوب گردد که با اثبات انتساب آن به دولت، باید خسارات و ضرر و زیان‌های وارده به زنان قربانی جبران گردد. چرا که دولت‌ها با امضای توافقنامه‌ی حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات یا متعهد شدن ضمن یک معاهده‌ی دو یا چند جانبه برای ارجاع اختلافات به داوری یا رسیدگی قضایی بین‌المللی، تکالیفی را بر عهده می‌گیرند که در صورت عدم انجام آن یا نقض آن، مسئول شناخته می‌شوند.

رفتار ارگان‌ها و نهادهای دولتی، چه تقنینی چه قضایی چه اجرایی باشند، فعل آن دولت تلقی می‌شود (بند ۱ ماده‌ی ۴ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی)، جدای از اینکه آن ارگان در ساختار دولت چه جایگاهی دارد و یا اینکه جزئی از ساختار مرکزی است یا بعنوان یک نهاد محلی فعالیت می‌کند. در هر حال، در صورت تحقق عمل متخلفانه، رفتار آن ارگان دولتی، قابل انتساب به دولت است. در برخی مواقع ممکن است شخص یا نهادی ارگان دولتی محسوب نشود، اما بر اساس حقوق

بین الملل منتسب به دولت محسوب شود. مانند اینکه رفتار متخلفانه توسط دولت به صورت مستقیم یا غیر مستقیم اجازه داده شود (ماده‌ی ۵ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی) یا افرادی بعنوان نیروهای کمکی به کار گرفته شوند یا به آنان دستور داده شود مأموریت خاصی را انجام دهند یا دولت اقدامات و عملیات آنان را کنترل مؤثر (به مفهوم وابستگی نسبی) (Talmon, 2009: 8) و هدایت کند (ماده‌ی ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی). بنابراین، اگر نقض حقوق زنان در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی در نتیجه‌ی رفتار افراد یا نهادهای وابسته به دولت و یا با اجازه‌ی دولت صورت گیرد و به عبارت دیگر، آن نقض به فعالیت‌های دولتی مربوط باشد، آن دولت مسئولیت مدنی جبران خسارات وارده را بر عهده خواهد داشت؛ چراکه این نهادها یا افراد و حتی شرکت‌های خصوصی (Kong, 2019: 108) بعنوان عناصری قلمداد می‌شوند که قدرت دولتی را اعمال می‌کنند، البته به شرطی که نهاد مورد نظر بعنوان نهاد دولتی رفتار متخلفانه را انجام داده باشد (Kong, 2019: 108) و انتساب رفتار آنان به دولت بر اساس قوانین داخلی آن دولت امکان‌پذیر باشد (ابراهیم گل، ۱۴۰۱: ۵۵)؛ بدین معنا که حقوق داخلی آن کشور، اعمال برخی اقتدارات دولتی را به آنان محول کرده باشد، حتی اگر این نقض با تجاوز از حدود اختیارات و یا دستورها باشد (ماده‌ی ۷ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی). بنابراین، اگر نقض حقوق زنان در یک جنگ داخلی توسط نیروهای نظامی تحت تسلط یک دولت انجام شود، قابل انتساب به دولت مذکور خواهد بود و مسئولیت مدنی دولت را به همراه خواهد داشت.

گروه‌های مسلحانه بعنوان یکی از طرفین درگیر در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی نیز در صورت وجود شرایط دارای مسئولیت مدنی خواهند بود. در برخی موارد، یک دولت با آموزش، تجهیز و مسلح کردن یک گروه و به عبارت بهتر کنترل یک گروه اقدام به نقض حقوق بشر یا نقض حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی می‌نماید، بدون آنکه نگران عواقب بین‌المللی عمل خود باشد. به همین علت برخی از حقوق‌دانان معتقدند اگر به جای معیار «کنترل مؤثر»، صرف «کنترل» مورد پذیرش قرار گیرد، موجب می‌شود دولت‌ها برای مقررات بین‌المللی احترام بیشتری قائل شده و در قبال مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی

کشورهای دیگر موضع بی طرفانه‌ای را اتخاذ نمایند (ممتاز، ۱۳۹۹: ۱۰۶). چراکه از یک سو، در صورت پذیرش معیار «کنترل» اثبات قابلیت انتساب رفتار متخلفانه به دولت آسان‌تر خواهد بود و از سوی دیگر، از تعارض و دوگانگی آراء (Cassese, 2005: 250) جلوگیری خواهد گردید. چراکه کمیسیون حقوق بین‌الملل هماهنگ با رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری، اعتقاد به معیار «کنترل مؤثر» دارد، در حالی که دیوان بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم ارتكابی در یوگسلاوی سابق اعتقاد به معیار «کنترل» داشت.

بر اساس ماده‌ی ۸ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی، اگر دولت از طریق هدایت یا کنترل شخص یا گروهی از اشخاص، مرتکب رفتار متخلفانه‌ی بین‌المللی شود، آن رفتار قابل انتساب به آن دولت خواهد بود. مصداق روشن ماده‌ی ۸ را می‌توان در اعمال کنترل و هدایت گروه‌های شورشی و گروه‌های مسلح مخالف مستقر در کشورهای درگیر جنگ داخلی یا کنترل و هدایت گروه‌های تروریستی در کشورهای دیگر یافت. بر این اساس، هم دولت (چه دولتی که طرف مستقیم مخاصمه‌ی داخلی است و چه دولتی که کنترل بر یک گروه مسلحانه در یک جنگ داخلی را دارد) و هم گروه‌های مسلحانه در صورت نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی دارای مسئولیت مدنی خواهند بود.

سوم، مسئولیت بین‌المللی؛ مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت در ارتكاب یک رفتار متخلفانه‌ی بین‌المللی، مانند نقض حقوق زنان از گذشته در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. در ماده‌ی ۲۷ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل مصوب ۱۹۷۸ بیان گردیده بود: «اگر ثابت شود کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتكاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی بوده که دولت اخیر انجام داده است، این کمک و مساعدت به خودی خود، از نظر بین‌المللی نادرست است، حتی اگر فی نفسه ناقض یک تعهد بین‌المللی نباشد». در عمل گاه اتفاق می‌افتد که در یک مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی، دولت یک کشور به دولت کشور درگیر در جنگ کمک می‌کند و دولتی دیگر، گروه‌های شورشی را مساعدت می‌نماید. نمونه‌ی این حالت را می‌توان در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی سوریه و مداخله‌ی دو کشور روسیه و آمریکا در این جنگ و تقابل آنان (زرگر، ۱۳۹۲: ۱۵۳) با یکدیگر مشاهده نمود.

اقدام یک دولت نباید از محدوده‌ی کمک و مساعدت فراتر رود. در غیر این صورت، بحث معاونت کنار گذاشته می‌شود و موضوع مباشرت یا شرکت مطرح خواهد شد. به عبارت دیگر، همراهی در این حالت می‌تواند تا حد همکاری واقعی برای ارتکاب عملی که از نظر بین‌المللی نامشروع است، در نظر گرفته شود (حبیبی طبسی، ۱۳۹۲: ۷۰). در واقع، معاونت برای ارتکاب رفتار متخلفانه‌ی بین‌المللی با ارتکاب خود یک رفتار متخلفانه‌ی بین‌المللی متفاوت است. از این رو، می‌توان گفت جدای از بحث معاونت در حالت مذکور، این رفتار خود ممکن است از نظر بین‌المللی نادرست باشد.

بر اساس ماده‌ی ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱، دولتی که به دولت دیگر در ارتکاب یک رفتار متخلفانه‌ی بین‌المللی مساعدت و کمک می‌کند در صورت وجود دو شرط مسئولیت بین‌المللی دارد؛ اول، آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی اقدام به کمک نماید؛ دوم، فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی محسوب می‌گردید.

مسئولیت بین‌المللی به دلیل نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی می‌تواند به دو صورت محقق شود؛ نخست، کمک و مساعدت به دولت حاکم. دوم، کمک و مساعدت به گروه‌های شورشی و گروه‌های مسلح مخالف دولت. اعطای کمک‌های مالی، تسلیحاتی و نظامی یا به طور کلی، کمک‌های مادی به دولت حاکم یا گروه‌های شورشی دریافت‌کننده‌ی کمک و استفاده از آنها در منازعات، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مسئولیت دولت‌های کمک‌کننده در جریان مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی است. چراکه دولت و یا گروه مسلحانه، آنها را در جهت نقض تعهدات بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به کار می‌گیرد. کمک و یاری تنها محدود به تهیه‌ی وسایل مادی نیست و می‌تواند ماهیت حقوقی یا سیاسی داشته باشد (Singh, 2021: 66)، مانند شناسایی یک وضعیت غیرقانونی و یا کمک به حفظ وضعیت نقض‌های موجود.

دولت کمک‌کننده باید بداند که این کمک‌ها برای ارتکاب فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی است (حبیبی طبسی، ۱۳۹۲: ۷۹). بنابراین، اگر جنگ داخلی در جریان باشد و جامعه‌ی بین‌المللی از آن اطلاع داشته باشد، دولت کمک‌کننده و ارسال‌کننده‌ی مساعدت‌های مالی نمی‌تواند با دفاع بی‌اطلاعی از وجود مخاصمه خود را تبرئه نماید. البته این مساعدت‌ها

لزوماً باید برای استفاده در جهت ارتکاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی داده شده باشد تا مسئولیت ناشی از کمک و مساعدت محقق شود. شرط دیگری که در این رابطه وجود دارد این است که فعل متخلفانه اگر توسط خود دولت کمک کننده هم ارتکاب یابد، فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی محسوب شود (ماده‌ی ۱۶ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه‌ی بین‌المللی).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دولت‌های عضو خواسته است تا از ارائه‌ی سلاح و دیگر کمک‌های نظامی به کشورهایی که از ناقضان جدی حقوق بشر هستند خودداری کنند (Cassese, 2007: 131)، دولت‌ها بر اساس تعهد مندرج در ماده‌ی ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو که در حال حاضر بعنوان یک قاعده‌ی آمره‌ی بین‌المللی شناخته شده متعهدند که از هرگونه کمک و تشویق به نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط دولت و گروه‌های غیر دولتی خودداری کنند. در همین راستا، دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌ی نیکاراگوئه اعلام کرد ایالات متحده آمریکا متعهد بوده که افراد و گروه‌های مسلح درگیر در مخاصمه‌ی داخلی مسلحانه‌ی نیکاراگوئه را تشویق به نقض ماده‌ی ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ننماید (Cassese, 2007: 139). در ارتباط با منازعات مسلحانه‌ی داخلی، موارد متعدد دیگری نیز وجود داشته است که دولتی به گروه‌های مسلحانه یا دولت حاکم با رساندن اسلحه و مساعدت‌های مالی، کمک نموده است. نمونه‌ی این موارد را می‌توان در کمک چین به دولت سودان، اسرائیل به گروه‌های شورشی در سودان، مساعدت‌های ایالات متحده آمریکا به کشورهایی مانند پرو، شیلی، آرژانتین، گواتمالا و ... یافت.

مسئله‌ی مهم دیگری که در ارتباط با کمک و مساعدت به دولت یا گروه‌های شورشی بویژه در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی وجود دارد، غیر علنی بودن این حمایت‌ها و یا انجام آن در ظاهری کاملاً قانونی است (کرم‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۰۰). بعنوان نمونه، مساعدت مالی در قالب اهدا به خیریه، ساخت و ساز شرکت‌های ساختمانی، انتقال بین بانکی پول، انتقال طلا و ... که در این موارد اثبات غیرقانونی بودن مساعدت و کمک در عمل با دشواری مواجه می‌گردد.

نتیجه

مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی که گاه بین دولت با یک گروه شورشی متخاصم واقع می‌شود و گاه بین دو گروه مسلحانه در داخل یک کشور رخ می‌دهد، با تغییر الگوی تعارضات و استفاده از سلاح‌های جدید، منجر به نقض حقوق زنان در ابعاد مختلف شده که مهم‌ترین مصداق آن را می‌توان در خشونت علیه زنان و جلوه‌های گوناگون آن یافت. اگرچه زنان معمولاً بعنوان نیروهای رزمنده در صحنه‌ی جنگ حضور ندارند، اما گاهی از روی اجبار و گاه با اراده‌ی خود به نیروهای حاضر در جنگ می‌پیوندند که در هر صورت حقوق مورد پذیرش جامعه‌ی جهانی برای آنان به شدت نقض می‌گردد.

آوارگی و پناهندگی زنان و فقدان حمایت‌های مالی کافی و مناسب برای آنان منجر به تبعات جسمانی و روانی متعدد می‌شود که این تبعات در مورد برخی از زنان مانند افراد بازداشت شده، زنان بدون همراه یا جدا شده، بیشتر خود را نشان می‌دهد. تبعات بعد از جنگ در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی برای زنان نسبت به مردان به مراتب بیشتر بوده و پذیرش مجدد آنان را در جامعه با مشکل مواجه می‌سازد. اگرچه جنسیت بعنوان تنها عامل اثرگذار در این زمینه نیست، اما مهم‌ترین عامل بزه‌دیدی زنان محسوب می‌شود.

از آنجا که حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی نه تنها بعنوان قاعده‌ی آمره‌ی بین‌المللی باید رعایت شود، بلکه دولت‌ها با پیوستن به تعهدات یک یا چند جانبه‌ی متعهد به رعایت این حقوق هستند. در صورت نقض این حقوق شناخته شده‌ی بین‌المللی، ناقضین حسب مورد با ضمانت اجرای کیفری، مدنی و بین‌المللی روبرو خواهند شد. با توجه به قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری برای دولت بعنوان شخص حقوقی مورد پذیرش قرار نگرفته، اما افراد چه در دولت و چه در گروه‌های شورشی دارای مسئولیت کیفری خواهند بود. طرفین درگیر در مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی داخلی چه بعنوان دولت (شخص حقوقی) و چه بعنوان افراد (شخص حقیقی) ملزم به جبران خسارت و ضرر و زیان‌های وارده خواهند بود. مسئولیت بین‌المللی شناخته شده در قبال نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی نیز برای دولت متخاصم پیش‌بینی شده است و در کنار آن دولت کمک‌کننده به دولت متخاصم و یا گروه‌های شورشی داخل کشور در حال جنگ داخلی از یک سو و هدایت یا کنترل این دولت‌ها یا گروه‌ها با وجود شرایطی، از سوی

دیگر، مورد پذیرش قرار گرفته است. نگاهی به رویه‌ی قضایی محاکم کیفری بین‌المللی نشان‌دهنده‌ی توجه این محاکم به نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی و محکومیت مرتکبان این دسته از جنایات می‌باشد.

با وجود قواعدی در زمینه‌ی رعایت حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی، بسیاری از این قواعد بویژه در ارتباط با حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی به دلیل پنهان بودن جنایت‌های ارتكابی رعایت نمی‌گردد. بعنوان نمونه در مخاصمه‌ی داخلی سیرالئون افراد خاصی حاضر به افشای جنایات علیه خود شدند ولی به دلیل ننگین بودن خشونت‌های جنسی، بسیاری از زنان حاضر به افشای جنایات نشدند. بنابراین، رعایت این حقوق و جلوگیری از نقض آن می‌طلبد که نهادهای بین‌المللی ویژه به صورت سازمان‌یافته و منسجم جهت حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی بویژه در راستای حمایت از زنان آواره ایجاد شود تا این قدرت و اختیار را داشته باشند که در زمان مخاصمه‌ی داخلی، در محل حادثه حضور یافته و در صورت مشاهده‌ی نقض حقوق زنان با گزارش سریع و به موقع این جنایات و کمک گرفتن از دولت‌ها و سازمان‌های ذیصلاح که از پیش تعیین شده و خارج از قلمروی کشور محل منازعه هستند، از ارتكاب بیشتر این جنایات جلوگیری شود. از سوی دیگر، اگرچه در قواعد بین‌المللی راهکارهای جبران خسارت از قربانیان حقوق بشردوستانه بویژه در اثنای منازعات مسلحانه‌ی داخلی و بعنوان جنایت جنگی پیش‌بینی شده است، اما به دلیل ویژگی‌های جسمانی و روحی خاص و آسیب‌پذیری مضاعف زنان، تشکیل یک نهاد و یا سازمان بین‌المللی ویژه برای جبران این آسیب‌ها، مانند مشکل در بازگشت مجدد به جامعه پس از جنگ و رفع مشکلات شدید روحی آنان به دلیل تجاوزات متعدد جنسی، ضروری است. بدیهی است استفاده از متخصصان امر مانند روانشناسان، روان‌پزشکان، جامعه‌شناسان و ... در تحقق این هدف بسیار مفید و راهگشا خواهد بود.

اهمیت بیشتر به نقش و جایگاه بزه‌دیدگان بویژه زنان قربانی مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی نیز می‌تواند در کاهش آلام و دردهای روحی آنان مفید باشد. چراکه در حال حاضر حضور بزه‌دیدگان در این گونه دادرسی‌ها یک حضور منفعلانه است و بزه‌دیده خود حقی برای مداخله در تحقیق و دادرسی ندارد. در

حال حاضر، بزه‌دیدگان مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی امکان طرح دعوا و جبران خسارت را در محاکم ملی دارند، اما در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی که خود دولت مرتکب جنایت در حین جنگ علیه زنان می‌گردد، عملاً امکان جبران خسارت در مورد این زنان بی‌فایده بوده منتفی می‌گردد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

?????



<https://orcid.org/0000-0002-7597-7284>

منابع

فارسی

0 الشریف، محمد مهدی و اسعدی، حسین «تأملی بر ماهیت حق انصراف در قراردادهای الکترونیکی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵ شماره ۱، (۱۳۹۳) صص ۱۳۳ تا ۱۵۳.
[10.22059/jll.2114551331](https://doi.org/10.22059/jll.2114551331)

References

- Cassese, Antonio, (2007), «The Nicaragua and Tadic Case, Revisited in Light of ICJ Judgment of Genocide in Bosnia», EJIL, Vol. 18, No. 4
- Cassese, Antonio, International Law, (2005), Second edition, Oxford, Oxford university press.
- Crawford, Brian and Culture Smart, (2019), Rwanda - Culture Smart!: The Essential Guide to Customs & Culture, 1 Edition, London, Kuperard.
- Cushman, Stephen,(2021), The Generals' Civil War, 1 Edition, Chapell Hill, The University of North Carolina Press.
- Douglas H. Johnson,(2016), The Root Causes of Sudan's Civil Wars: Old Wars and New Wars (African Issues), 3rd Edition, Suffolk, James Currey Press.

- Everett M. Ressler , Neil Boothby, Daniel J. Steinbock ,(1987),
Unaccompanied Children: Care and Protection in Wars, Natural
Disasters, and Refugee Movements, 1 Edition, Oxford, Oxford
University Press.
- Florence, Tecier, (2006), Women and War Adviser for the International
Committee of Red Cross, 1 Edition, Addis Ababa, Adis Ababa university
press.
- Grace, Michel, Impact of armed conflict on children,
(1996), UNDOC A/51/306/Add/1.
- Kelly dawn askin, (1997), War Crimes Against Women, 1 Edition, Hague,
Martinus nijhoff publishers.
- Kong, Dejian, (2019), Civil Liability for Damage Caused by Global
Navigation Satellite System, 1 Edition, Alphen and den Rijn, Kluwer
Law International.
- Lombard, Nancy, (2013), Violence Against Women: Current Theory and
Practice in Domestic Abuse, Sexual Violence and Exploitation, 1 Edition,
London, Jessica Kingsley Publishers.
- Rachel, Brett, (2003), «Adolescent Volunteer Ring for Armed Forces and
Armed Groups, International Review of Red Cross», Vol 85, No 852.
- Shell-Duncan, Bettina, (2001), Female "Circumcision" in Africa: Culture,
Controversy, and Change (Directions in Applied Anthropology:
Adaptations & Innovations), 1 edition, Boulder, Lynne Rienner Pub.
- Singh, Vicrant, (2021), Violation of International Humanitarian Law in
Syria and Status of Refugees: Syrian Civil War, 1 Edition, Illinois,
Independently published.
- Talmon, Stefan, (2009), «The Responsibility of Outside Powers for Acts of
Secessionist», international and comparative law quarterly, Vol. 58, No,
3.
- U.N Report on the situation of human rights in Rwanda, (1996), Resolution
S – 3/1, E/ CN.4.

UN Report on women's and girls' sexual and reproductive health rights in crisis Report of the Working Group on discrimination against women and girls, (2021), A/HRC/47/38.

UN Women, what women want: Planning and financing for gender-respective, (2011), In UN women sourcebook on women, Peace and security.

Webb, Simon,(2022), Secret Casualties of World War Two: Uncovering the Civilian Deaths from Friendly Fire, 1 Edition, Barnsley, Pen & Sword History.

Translated References into English

Abdullahi, Mohsen: Abdullahi, Mohsen, The evolution of the definition of civil war and the expansion of humanitarian rights with an emphasis on Afghanistan, a collection of articles of the international conference of the Red Cross and Red Crescent Movement and humanitarian rights, (Tehran: Kalam Shida Publications, 2013).

Bagherzadeh, Mohammadreza: Bagherzadeh, "A discussion about the criminal responsibility of the government", Marefat magazine, 36 (2000). {In Persia}

Dashab, Mehriab: Dashab, Mehriab, Children Soldiers, Collection of Articles of the Children's Conference, first edition, (Tehran: Kateb Publications, 2010).

Delkhosh, Alireza: Delkhosh, "Various Aspects of "Responsibility" in International Criminal Law", International Legal Journal, 44 (2010). 10.22066/CILAMAG.2011.17168 {In Persia}

Dihim, Alireza: Dihim, Alireza, An introduction to international criminal law in the light of the Statute of the International Criminal Court, second edition, (Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing, 2014).

Ebrahim Gol, Alireza: Ebrahim Gol, Alireza, International responsibility of the state: text and description of the materials of the International Law Commission, 12th edition, (Tehran: Shahr Danesh Publications, 2022).

Faraji, Mohammad Reza: Faraji, "The process of transformation and evolution of the international structure", Parse magazine, 20 (2013). {In Persia}

Habibi Tabasi, Ali, Mansouri, Ferangis, Rezaei, Mohammad Taghi and Habibzadeh, Tawakol: Habibi Tabasi and Mansouri and Rezaei and Habibzadeh, "The international responsibility of third states due to violations of humanitarian rights in internal armed conflicts (with a brief analysis of Syrian Crisis), International Legal Journal, 49 (2012). 10.22066/CILAMAG.2013.15825 {In Persia}

Henkertz, Jean-Marie, Duswaldick, Louis, Allorman, Caroline, Dorman, Knut and Rolle, Batiste: Henkertz, Jean-Marie, Doswaldick, Louis, Allorman, Caroline, Dorman, Knut and Rolle, Batiste, Customary International Humanitarian Law, trans. Office of International Affairs of the Judiciary and the International Committee of the Red Cross, first edition, (Tehran: Majd publications, 2011).

Isabel Messi, Mary: Isabel Messi, "Women's Role in the Civil War", translated by Maryam Molanazar, Journal of Women's Cultural-Defense Studies, Year 1/3 (2005). {In Persia}

Jafari, Sanaz Al-Sadat and Maghami, Amir: Jafari and Maghami, "Sexual slavery in international criminal law with an emphasis on the procedure of the Special Court of Sierra Leone", translated by Masoud Zamani, Journal of Public Law Studies, Volume 4/52 (2022).

Karamzadeh, Siamak and Alizadeh, Masoud: Karamzadeh and Alizadeh, "Russia's intervention in the Syrian crisis and the principle of prohibition of intervention in civil wars", Journal of General Legal Studies, Volume 1/50 (2019). 10.22059/jpls.2019.272305.188 {In Persia}

Khak, Ronak: Khak, "Criminalization of Sexual Violence in International Criminal Law", International Law Journal, Publication of the Center for International Law Affairs, Legal Deputy and Presidential Assembly Affairs, Center for Advanced International Studies, 2017/2018). 10.22066/CILAMAG.2010.17385 {In Persia}

Lekai Andi, Dariush: Lekai Andi, "Adjustment of national sovereignty from the perspective of international law in the light of the conceptual evolution of power and security in the age of globalization", Qonun Yar magazine, year 20/5 (2021). {In Persia}

Mir Mohammad Sadeghi, Hossein: Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, International Criminal Law, 7th edition, (Tehran: Mizan publication, 2022).

Momtaz, Jamshid and Ranjbarian, Amir Hossein: Momtaz, Jamshid and Ranjbarian, Amir Hossein, International Humanitarian Law of Internal Armed Conflicts, fifth edition, (Tehran: Mizan Publication, 2019).

Mosaffa, Nasreen: Mosaffa, "In search of more support; Women's Rights Protocol of the Charter of Human Rights and African Peoples", African Studies Journal, Printing and Publication Center of the Ministry of Foreign Affairs, 12/10 (2005). {In Persia}

Nowrozi, Nader: Nowrozi, "Perspective of Women in War", Quarterly Journal of Women's Defense Cultural Studies, Year 1/2 (2005). {In Persia}

Oskoui, Shaheen: Okoui, "Women, captured by war", Women's Rights Magazine, Year 1/8 (1998). {In Persia}

Ramezan Nargesi, Reza, Ramezan Nargesi, "Rape and Victimization of Women", Strategic Journal of Women's Studies, 23 (2013). {In Persia}

Shiayezari, Kiriang Sak: Shiayezari, Kiriang Sak, International Criminal Law, translated by Behnam Yousefian and Mohammad Esmaili, 6th edition, (Tehran: Samt Publications, 2013).

Tawakoli Tabasi, Ali and Mansouri, Frangis: Tawakoli Tabasi and Mansouri, "Commitment and commitment of the contracting parties to the rules of humanitarian law in the internal conflict in Syria", International Legal Journal, 52 (2014). 10.22066/CILAMAG.2015.15751 {In Persia}

Walt Litt, Sandra, McGree, Ross: Walt Litt, Sandra, McGree, Ross, Criminology and War: Crossing Borders, translated by Hamidreza

Nikukar and a group of criminal science researchers, first edition, (Tehran: Mizan Publication, 2021).

Yadollahi, Siavash: Yadollahi, "Investigation of modern military technologies and their application in the American Civil War, (1861-1865 AD)", *Journal of Historical War Studies*, 14 (2019). 10.52547/HSOW.4.4.123 {In Persia}

Zargar, Afshin and Mamouli, Fatemeh al-Sadat: Zargar and Mamouli, "Syrian civil war and increasing confrontation between Russia and America in the Middle East", *Foreign Policy Magazine*, 2/32 (2012). {In Persia}



#استناد به این مقاله: باقری نژاد، زینب. (۱۴۰۳). نقض حقوق زنان در مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی. پژوهش حقوق کیفری، (۴۶)، ۱۲-۱۰۹-۱۳۸.

Doi: 10.22054/jclr.2024.72847.2566



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.